

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۰۱ اگست ۲۰۲۱



شریف منصور

اژدهای بامیان ، افسانه یا واقعیت؟

مدتی قبل کلیپی در مورد برجستگی های یک کوه در بامیان که تا حدودی شبیه یک اژدهای خفته بود در فضای مجازی پخش شد و بار دیگر به افسانه " اژدهای بامیان " رونق بخشید . از همان زمان خیلی ها از من در مورد این اژدها سؤال های بسیاری پرسیده اند :

آیا این اژدها واقعا وجود داشته است؟

آیا "حضرت علی" شخصاً این اژدها را کشته است ؟

تاریخ در این باره چه می گوید ؟

و سؤال هائی از این قبیل، بالاخره تصمیم گرفتم که به جای این که ده ها و صدها بار به تک تک این سؤال ها پاسخ دهم مقاله ای در این مورد بنویسم .

بر اساس افسانه های بامیانی در گذشته های دور اژدهایی در بامیان زندگی میکرد که از دهانش آتش بیرون می آمده است . این اژدها با خوردن مردم و حیوانات اهلی مردم، کار را بر آنان تنگ کرده بود و آنها هم از پس او بر نمی آمدند تا این که "حضرت علی" شخصاً به نبرد آن اژدها شتافت و او را کشت .

شکی نیست که منشأ این افسانه کتاب "خاوران نامه" است ، خاوران نامه منظومه ای کهن و حماسی است که "ابن حسام خسوفی" آن را با الهام از "شاهنامه فردوسی" و به زبان فارسی سروده است . قهرمان اصلی "خاوران نامه" "حضرت علی" است و یاران او یعنی مالک اشتر (رح) ، قنبر (رح) و ... هم از قهرمانان رده دوم هستند .

حضرت محمد (ص) پیامبر بزرگ اسلام و دخترشان فاطمه زهرا (رض) از شخصیت های دیگر این منظومه هستند .
پیامبر دیگر الهی خضر (ع) هم در بعضی مواقع به کمک حضرت علی می آید .
حضرت علی در خاوران نامه با موجودات عجیب و غریب بسیاری می جنگد ، به جنگ پیل گوشان می رود ، با
اژدهای چند سر مبارزه می کند و دیوان را از پای درمی آورد .
از آنجا که حضرت علی یکی از شجاع ترین مردان روزگار بوده است و در کارنامه جنگی آن حضرت پیروزی های
مهمی دیده می شود.

اما در این جا ما کاری به دیوان و پیل گوشان نداریم و فقط به نبردهای حضرت علی و اژدها ها می پردازیم :

پدید آمد آنگه یکی اژدها که ابلیس را زو نبودی رها
به هر سر بر آن اژدهای دمان دهان پر آتش کشیده چنان
بینداخت آتش ز سرهای خویش بپیچید برهم سر و پای خویش
چون درپیش آن مارحیدر رسید بزد خنجر و یک سرازوی برید
دگر ره درآمد سر فراز کرد به شمشیر بر اژدها حمله برد
یکی تیغه رو بر سر اژدها به دو نیمه شد پیکر اژدها (۱)
و :

چو از روز یک نیمه گذشت برآمد خروشی ز دریا و دشت
دهان پر آتش گشاده فراخ زبانی برون کرده زوسردوشاخ
بیامد پرازکین و سر پر ز زخم چو تشفی بر آتش گشاده دوچشم
بغلتید بر خون تن اژدها وزو نعره سهمگین شد رها (۲)
و :

یکی نعره آمد مراو را به گوش کز آواز او کوه شد پر خروش
یکی اژدها دید کامد پدید سراسر سر کوه از او ناپدید
دهان همچو دوزخ گشاده به هم سرکوه از او پر تف و دود و دم
بیامد خروشان و دم می کشید توگفتی زمین رابه هم می کشید
چنین گفت حیدر که هفتاد بار زدم بر بر اژدها ذوالفقار
چو آن مار ناچیز و نابود گشت به خونش همه کوه آلودگشت (۳)

با وجود آن که خاوران نامه اثر حماسی ارزشمندی است اما بیشتر مطالب آن من جمله شاهکارهایی که از قهرمانان آن
سر می زند زائیده تخیل نویسنده آن است و یک درصد هم ارزش تاریخی ندارد .
در بامیان هم تا آنجا که من می دانم بیشتر از یک پیکره اژدها مانند وجود داشته است ، این اژدها ها به مرور زمان و
به وسیله عوامل طبیعی یعنی انتکالات به وجود می آمده اند ، "جان آلفرد گری" پزشک دربار امیر عبدالرحمن خان که
یکی از این اژدها ها را دیده بود در خاطراتش می نویسد :
وقتی در بامیان بودیم، "جان محمد" مرا به جایی در چند مایلی راه برد تا برابیم یک اژدهای سنگ شده ... را نشان دهد.
(جان محمد) مدعی بود که "محمد اکبر" این اژدها را در یک نبرد تن به تن کشته است و الله (ج) آن را به سنگ تبدیل
کرده است...

اژدهائی که من دیدم تخته سنگی بزرگ و عجیب الشكل بود که طی قرن ها توسط رسوبات کاربونات آهک از چشمه ای که هنوز هم در کنارش فوران می زد، به وجود آمده بود. (۴)

منابع :

۱- خاوران نامه ، ابن حسام خسوفی ، ۱۳۳۱ ، کابل ، ص ۷۰ و ۷۱

۲ - همان ، ص ۱۹۴

۳ - همان ، ص ۲۲۵

۴ - در دربار امیر ، در دربار امیر ، ص ۱۶۹